

پیرامون شکل و محتوای توافق ژنو

موافقت‌نامه ژنو میان ایران و کشورهای ۵+۱ مهم‌ترین رویداد خبری جهان در هفته نخست آذر و یکی از مهم‌ترین دستاوردها در دولت دکتر حسن روحانی در ۱۰۰ روز نخست زمامداری‌اش و از منظر راهبردی یکی از مهم‌ترین دستاوردهای ایران پس از ملی کردن صنعت نفت کشور تلقی می‌شود. ابعاد واقعی و پیامدهای وسیع این موافقت‌نامه مانند رویداد تاریخی ملی کردن صنعت نفت در دهه‌های آینده برای منافع ملی کشور بیشتر از دوره پرمناقشه کنونی آشکار خواهد شد. واکنش‌های شتاب‌زده برخی از جریان‌های اروپایی و پاره‌ای از قدرت‌های منطقه که در شکل مخالفت آشکار با پذیرش ایران به‌عنوان کشور دارای توان هسته‌ای مسالمت‌آمیز ظهور کرد و بیم و هراس آنان از تبدیل ایران به یک قدرت بلامنازع منطقه‌ای، نشان از این واقعیت می‌داد که جمهوری اسلامی ایران در مسیر صحیح گام برداشته و کشورهای ۵+۱ ناگزیر از پذیرش واقعیت‌های جدید شدند. یادمان نرود که برخی کشورها و جریان‌های پرنفوذ منطقه‌ای و اروپایی از زمان تشدید تحریم‌های همه‌جانبه علیه کشورمان روی تسلیم‌شدن بی‌چون و چرای تهران به خواست‌های غرب به سبک دوره قذافی و یا پذیرش وضعیت نهایی مدل عراق در دوره پایانی زمامداری صدام حسین

* رییس مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

شرط‌بندی کرده بودند. اما ایران و رهبری حکیمانه آن یک‌بار دیگر نشان داد که مدل و سبک ابداعی خود را برای حل و فصل چالش‌های ملی و منطقه‌ای وضع می‌کند، هنگامی که سیاست‌های ایران طی حداقل دو دهه اخیر در اوج کشمکش‌های منطقه‌ای؛ از اشغال کویت توسط ارتش عراق گرفته تا اشغال عراق توسط ارتش آمریکا و از تشدید فشارهای اقتصادی غرب علیه کشورمان گرفته تا شعله‌ور شدن جنگ‌ها و درگیری‌های خونین داخلی در جبهه متحد ایران در منطقه (نمونه سوریه)، بازخوانی می‌شود. برخوردهای حکیمانه و هوشمندانه رهبری کشور و چگونگی بهره‌گیری از فرصت‌ها و حرکت مناسب و سکوت و بی‌طرفی به‌موقع در مواجهه با چالش‌های پیرامونی به‌چشم می‌خورد. همین‌جا باید اشاره کرد که بسیاری از کشورها و جریان‌های مدعی کارکشتگی در خروج امن از گذرگاه‌های پر پیچ و خم و پرمخاطره رویدادهای منطقه‌ای در همین چند ایستگاه و رویداد گفته شده در بالا دچار لغزش مرگبار یا حداقل پرهزینه شدند (به سرنوشت مرحوم عرفات و دولت پادشاهی اردن و برخی دولت‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس توجه کنید).

همچنین نباید از این نکته غفلت کنیم که بسیاری از کشورهای عرب خلیج فارس و رژیم صهیونیستی طی چند سال اخیر روی فرضیه وقوع رویارویی نظامی میان ایران و کشورهای غربی بر سر پرونده هسته‌ای چنان پافشاری کردند که میلیاردها دلار بودجه خود را به انباشت سلاح‌های دفاعی و در نمونه اسرائیل سلاح‌های تهاجمی و دفاعی اختصاص دادند. در واقع جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ رشته تدابیر سازگار با نیازهای مرحله، مجموعه کشورها و برخی قدرت‌های منطقه‌ای را غافلگیر کرد (به اظهارات و عکس‌العمل‌های خشمگینانه رهبران اسرائیل، سفیر عربستان سعودی در ایالات متحده آمریکا، سفر فرانسوا اولاند رییس‌جمهور فرانسه به اسرائیل در میان دو نشست دوم و سوم ژنو توجه کنید).

از این مقدمه بگذریم، توافق ژنو از دو منظر فرم و محتوا قابل بررسی و ارزیابی است. توجه به فرم و شکل و به عبارتی به پروتکل‌های ژنو اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا فرم و شکل یک ماجرا نشان از محتوا و اهمیت و ابعاد آن دارد. در اینجا اصلاً بحث بر سر ارزیابی نحوه ظهور و عملکرد دو هیأت ارشد مذاکره‌کننده قبلی و فعلی مطرح نیست؛ زیرا بی‌تردید هیأت مذاکره‌کننده قبلی مطابق با نقشه راه ابلاغی و یا ابداعی خود آنچه را در چارچوب منافع ملی کشور و شیوه صحیح و

درست می‌پنداشت، به اجرا گذاشته و می‌گذاشت. شاید پایداری‌ها و ایستادگی‌ها و پافشاری‌های تیم قبلی زمینه‌های مساعد را برای مانورهای نرمشی تیم بعدی فراهم کرده باشد. مطالعه و ارزیابی این نکته از آن رو اهمیت دارد که مراکز متکفل ارایه برآوردهای مرحله‌ای و راهبردی در کشور باید همه ابعاد یک پدیده پیچیده نظیر پرونده هسته‌ای را در همه فصل‌ها و مراحلش بازخوانی کنند تا هنگام قضاوت و داوری قطعی، سهم هر یک از ایستگاه‌های مسیر طولانی پرونده هسته‌ای از قلم نیفتد. در بازی‌های تدارکاتی بسیاری از مسابقات جهانی، تیم‌های عمل‌کننده، رفتاری به کلی متفاوت از رفتار و التزام به قواعد بازی واقعی و تعیین‌کننده از خود بروز می‌دهند. این شیوه در شناخت ظرفیت‌ها و کف و سقف توان و مطالبات حریف بسیار مؤثر و گاه تعیین‌کننده است. فقط به عنوان مثال به یک گمانه‌زنی می‌توان اشاره کرد که اگر جمهوری اسلامی ایران در دوره ماقبل تیم مذاکره‌کننده کنونی تعهد داشت این پیام را به خانواده بین‌المللی القا کند که اگر بخواهید با رادیکال کردن خواست‌ها و مطالبات خود، ایران را از حقوق مسلمش در پرونده هسته‌ای محروم کنید، در تهران نیز نسخه‌ای شبیه آنچه در پایتخت‌هایتان وجود دارد، حضوری جدی دارد که در نتیجه نه تنها فرصت‌های پیش‌روی دو طرف برای حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران محدود می‌شود، بلکه امکان رفع سقف مطالبات ایران در محدوده قابل تطبیق با کنوانسیون‌های معاهده منع تولید و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی وجود دارد. از این رو و در قدم نخست از مطالبات رادیکال خود دست بردارید تا صدا و رویه سازگار با خواست‌ها و مطالبات قابل فهم شما در تهران شکل گرفته و راه اجرایی کردن نقشه راهش هموار شود. این پیام به خوبی در پایتخت‌های مؤثر غرب شنیده شد و مطالبات قبلی مذاکره‌کنندگان ۵+۱ که بر محور تعطیلی کلیه فعالیت‌های اتمی و در رأس آن تعلیق همیشگی و بی‌بازگشت غنی‌سازی اورانیوم متمرکز بود، به پذیرش اصل غنی‌سازی اورانیوم در خاک ایران با شرایط و محدودیت‌های مورد تفاهم تغییر جهت داد. بنابراین اگر موضوع حل و فصل مرحله‌ای پرونده هسته‌ای را با دقت بررسی کنیم، نباید از ایستگاه‌های قبلی آن به مثابه کاتالیزور ایستگاه‌های بعدی غفلت ورزیم.

از آن سو نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که تیم مذاکره‌کننده کنونی به لحاظ آشنایی و تسلط کم‌نظیرش روی جنبه‌های کاملاً جانبی اما مؤثر و روی متدلوزی مذاکره غربی‌ها با موضوعاتی

از این قبیل مطالعه و سلطه غیرقابل انکار داشت، نقش بسیار تعیین کننده در سرعت بخشیدن به روند مذاکرات با هدف دستیابی به نتیجه مطابق با نقشه راه ابداعی و یا ابلاغی اش ایفا کرد. وقتی محمدجواد ظریف، وزیر خارجه کشورمان همراه با تیم قدرتمند مذاکره کننده اش با هماهنگی و ابتکار عمل خانم کاترین اشتون وزیرای خارجه ۵+۱ را به نشست ژنو فرا می خواند و آنها به لحاظ اهمیت موضوع کارهای روتین خود را به حالت تعلیق درآورده و به سرعت راهی ژنو می شوند، علاوه بر حساسیت پرونده هسته ای، به جنبه های فرمال ماجرا نیز مطابق نقشه راه پیشنهادی ایران تن می دهند و اگر برخورد کاسبکارانه لوران فابیوس وزیر خارجه فرانسه در نشست دوم ژنو نبود، دستیابی به توافق در همان نشست ممکن می شد، اما ماشین دیپلماتیک ایران به رغم همه سروصداهای برآمده از پایتخت های اسرائیل و عربستان سعودی و کانادا دچار انفعال نشد و به تلاش خود برای اقناع طرف ها و پافشاری روی این نکته که اگر بناست باب مخالفت هایی از این دست گشوده شود، تهران نیز در این زمینه بی نصیب نخواهد ماند، ادامه داد و در نشست بعدی همان وزیرای خارجه ۵+۱ برای رسیدن به ژنو از یکدیگر سبقت گرفتند به گفته یکی از تحلیلگران غربی این نخستین بار پس از جنگ دو کره، وزیرای خارجه، قدرت جهانی برای دستیابی به اجماع پیرامون یک پرونده بحرانی به اهمیت و نقش یک کشور (ایران) پی می برند. از این رو از منظر فرم توافق نامه ژنو، ایران در یک سوی ماجرا و ۵+۱ که پنج عضو آن از اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد به شمار می روند در سوی دیگر ماجرا، به مناقشه پیوسته و بی وقفه بر سر پرونده هسته ای ایران پرداختند. به زبان تمثیل، کشتی یک تن در برابر شش کشتی گیر کار کشته صورت می گیرد که داور مسابقه پایان مسابقه را با نتیجه بازی برد- برد برای دو طرف اعلام می کند. به این تیم مذاکره کننده ایرانی باید آفرین گفت و به خاطر داشتنش باید مباحثات کرد. اینکه نخستین پیام شادباش و تبریک از سوی مقام معظم رهبری آیتاله خامنه ای خطاب به ریاست جمهوری صادر می شود، گویای تطابق خواست ها و نتایج به دست آمده از مذاکرات ژنو است، در غرب نیز کم و بیش چنین رویکردی و چنین نگاهی از خلال رسانه ها و تحلیلگران منصف غربی دیده شد.

در محتوا البته موضوع اندکی تغییر می کند. اگرچه در بالا اشاره شد که فرم ها راه شناخت محتوا را هموار می کند، اما باید نخست دید دو طرف ماجرا چه تعریف و شناختی از ظرفیت حریف برای

پذیرش مطالبات و کف و سقف آن و نیز چه خطوط قرمزی برای خود ترسیم کرده بودند این سوی ماجرا یعنی تهران خط قرمز خود را تحت عنوان حق ایرانیان برای غنی‌سازی اورانیوم در خاک خود با علامت و خط درشت کشیده بود. در مورد میزان غنی‌سازی راه انعطاف تهران باز بود، اما تا مرز پنج درصد در آن سوی ماجرا، موضوع متفاوت بود. پاره‌ای از کشورها با استناد به قطعنامه‌های شورای امنیت ضرورت تعلیق همه‌جانبه غنی‌سازی اورانیوم را به‌مثابه خط قرمز خود ترسیم کرده بودند، اما این خط قرمز به دوره‌ای تعلق داشت که ایران در فناوری هسته‌ای به‌ویژه در ساخت و نصب هزاران سانتی‌فیوژ در مراحل ابتدایی قرار داشت. پایداری ایران از یک سو و تلاش برای نصب و راه‌اندازی نسل پیشرفته سانتی‌فیوژها و تولید اورانیوم با غلظت ۲۰ درصد، سقف مطالبه غربی‌ها را دستخوش تغییر کرد. البرادعی رییس پیشین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی طی سخنانی در برابر هیأت امنای آژانس انرژی اتمی در پاسخ به تهدیدات آمریکا و اسرائیل مبنی بر وجود گزینه‌ها از جمله گزینه نظامی روی میز گفته بود، نمی‌توان دانش اتمی را بمباران کرد. هنگامی که هیأت بازرسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از تولید و ذخیره حدود یک تن اورانیوم غنی شده ۲۰ درصدی اطمینان حاصل کرد و نمونه‌های آن را پس از آزمایش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مطابق با استانداردهای آژانس اعلام کرد، موضوع به‌کلی دگرگون شد و موضع ایران در وضعیت بهتری قرار گرفت، اما ایران در همان زمان آمادگی خود را برای رفع نگرانی خانواده بین‌المللی از طریق به امانت‌گذاری این مجموعه اورانیوم در یک کشور سوم (ترکیه) اعلام کرد. این اقدام جمهوری اسلامی ایران شکاف نسبتاً عمیقی در میان صفوف کشورهای داعیه‌دار در این موضوع ایجاد کرد و بازیگران دیگری را نظیر ترکیه و برزیل وارد صحنه نمود. از آن زمان کشورهای ۱+۵ از ترس خروج کل پروژه از دایره ابتکار عمل خود وارد عمل شده و سقف مطالبات قبلی خود را پایین آوردند. از آن پس البته با اما و اگرها و شرط و شروطها احتمال پذیرش موضوع حق غنی‌سازی اورانیوم به میزان پنج درصد در کریدورهای مذاکرات مطرح شد. ایران نیز این اصل را قابل مذاکره و رایزنی دانست و روی این موضوع متمرکز شد.

اینک و پس از توافق آخر ژنو، دو دیدگاه در پاره‌ای از پایتخت‌ها در موضوع محتوای توافق شکل گرفته است. پاره‌ای از قدرت‌ها نظیر اسرائیل توافق ژنو را یک برد تاریخی برای ایران توصیف کرد. تل‌آویو همه تلاش خود را برای یافتن متحد منطقه‌ای به‌منظور تنها نماندن در فضای جنگ منفی

توافق متمرکز کرد و فرانسه و عربستان سعودی و برخی کشورهای کوچک حاشیه جنوبی خلیج فارس را به صف کشاند. اما این تلاش به دلیل غلبه کشورهای موافق با توافق ناکام ماند. اسرائیل به گونه‌ای پایه‌ای با فرمول برد - برد در مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱ مخالف بود، اما دیپلماسی بسیار فعال ایران تهاجم خود را به پرونده‌ای معطوف کرد که می‌توانست پرونده اتمی ایران را به موازات توانمندی‌های اتمی اسرائیل و ضرورت شفاف‌سازی وضعیت اتمی این رژیم سوق داد. کشورهای ۵+۱ از این نگران بودند که اگر پرونده هسته‌ای ایران با پرونده اتمی (البته با ۲۶۰ کلاهک اتمی شناخته شده) اسرائیل سنجاق شود و هرگونه حل و فصل پرونده ایران را به حصول پیشرفت در شفاف‌سازی توان هسته‌ای اسرائیل و انضمام تل‌آویو به معاهده منع تولید و گسترش سلاح کشتار جمعی مشروط کند، حل و فصل پرونده اتمی ایران تعلیق به محال خواهد شد. از این رو هم صدای غربی‌ها کوتاه شد و هم تهدیدات اسرائیل رو به کاهش گذاشت.

در نتیجه معادله ساده‌ای از ده‌ها دور مذاکره فشرده میان ایران و ۵+۱ شکل گرفت که به صورت زیر مبنای موافقت قرار گرفت:

الف: کشورهای غربی به‌طور ضمنی حق ایران را برای غنی‌سازی اورانیوم مطابق مقررات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و زیر نظر پیوسته آن می‌پذیرند.

ب: ایران به همه شیوه‌ها و تدابیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌منظور رفع نگرانی خانواده بین‌المللی مبنی بر عدم انحراف برنامه اتمی‌اش به جنبه‌های نظامی تمکین می‌کند.

باور و احساس ایرانیان و دولت این است که در این بازی بر پایه برد-برد حق بند الف را به‌دست آوردند و باور و احساس غربی‌ها و دولت‌های ۵+۱ این است که در این بازی بر پایه برد-برد به بند ب این فرمول دست یافتند. در واقع نه رهبری ایران و نه رهبری کشورهای ۵+۱ تمایل نداشتند که تیم‌های مذاکره‌کننده خود را بی‌نتیجه و یا با شکست به پایتخت‌های خود فرا بخوانند. این اوج هوشمندی دو طرف برای بازی کردن بر پایه فرمول برد-برد شناخته می‌شود. صدای مخالفان تندرو در دو طرف ماجرا طی پروسه شش ماه آینده به شرط التزام به مفاد توافق کم‌رنگ و احتمالاً بی‌اثر خواهد شد؛ زیرا ابعاد بعدی توافق واقعیت‌های جدیدی در مناسبات میان ایران و کشورهای ۵+۱ به‌وجود خواهد آورد که قضاوت‌ها و داوری‌ها را به سوی آن سوق خواهد داد.